



هجوم بر پرمنشانه پلیس شاه به اجتماع آرام مردم در مسجد جامع شیراز

گزارش ماه در شب بیست حضرت مسجد، صد هائز و مرد و کورده را در مسجد جامع خلق شیراز زیر ضربات چوب و چاقو و باتون گرفتند. مردم به نامیت قدم چمت در مسجد جامع متبل جمع شدند. پرده بود و بعد از سخنرانی واجد معروف شمشاد آگای دستخوب برلس آزادی و وطن حکومت استبدادی، به صد خانه از مسجد بیرون آمدند. بود که با هجوم گاری های چپای بدست روبرو شدند و وحشت زده به داخل مسجد بازگشتند. خبرنگاران توده که در میان مردم بودند در لحظات خونین با هجوم دشمنانه را این چنین گزارش کردند:

سخنرانی هینز تمام نشده بود که از پنجم خبر آوردند پلیس مسلح مسجد را محاصره کرده است و نزدیک آتینا مرتب امامت می نمود. پلیس خبر محاصره پلیس در مسجد درست در لحظاتی که سخنران از حکومت های دیکتاتوری صحبت می کرد فضای جدی بدی به وجود آورده بود. مردم به حکومت سرزنش رازسوی به هولناک رژیم شاه بهتر اساسی می کردند.

بعد از سخنرانی مردم آرام آرام به طرف در خروجی مسجد به راه افتادند اما هنوز با چنان به خیابان نرسیده بود که نامین های دقت نشان سپهر که از قبل آماده شده، جلوی مسجد پارک شده بودند، به صورت مردم لبس واپ گرا کرده با شمشیر و دو بعد سال آن چنان هوا بالا راند و مردم را روی دروازه های کار مسجد نداشتند. طب نفسی به داخل مسجد با شمشیر مردم بر پیکتاری شروع شد اما هنوز همه به داخل مسجد بازنگشته بودند که گدای شلیک گلوله بلند شد. پلیس شاه همزمان با شلیک تیرهای گلوله های گاز اشک آور را به داخل مسجد شلیک کرد تا مردم را به ترسند مجبور کند و در زیر ضربات چوب و چاقو چنان فرار دهد. آنگاه گلوله های گاز اشک آور داخل مسجد شلیک کرد که نفس کشیدن برای همه متوقف شد. این مسلح

و دشمنانه وضع دشواری برای زنان و مخصوصاً صابجه های مرد سال پیش آورده بود. همه سرته می کردند. چند نفری که همراه خود نشان ریزنامه داشتند آن را آتش زدند تا اشیاء گاز اشک آور از میان بیرون بیرون. این فعل تا حدودی نتیجه بخش بود. افراد پلیس که متوجه بی اثر شدن گاز اشک آور شده بودند با بی خبری تمام وارد محسین مسجد شدند و به سلسله بازماند ضلوع بعد از آتش زدن ریلوهای مسجد با چاقو چنان به جان مردم افتادند.

طبق گزارش فریاد "مرگ بر شاه" شنیده می شد. طبق گزارش در جریان این هجوم پرمنشانه دشمنان غیر دستگیر شدند که از سرزنششان اطلاق و دست بستند. تعدادی از دستگیر شدگان سرچوبینی بودند که دست و پایشان زیر ضربات چاقو چنان شکسته بود و قادر به حرکت نبودند. دشمنان مجروح و یگر با سردست شکسته و خون آلود توانستند از محاصره مأموران بگریزند و در جمع دیگران "مرگ بر شاه" را در خیابان هسا فریاد بزنند.

یکه گزارش دیگر حاکی است که بیشتر مجروحین دستگیر شده را زنان و کودکان تشکیل می دهند. این است معنای آن فضای باز سیاسی و آزادی و نظایرات که رژیم سوسیال و عدل شاه مدعی آن است.

شاه از ارتش ایران می ترسد

اخیر مردم به دلیل اعتماد داشتند به واحد های مختلف ارتش و سوز داده بود از گارد جاوید (واحد مخصوص که افرادش از میان تمام ارتش پس از گذشتن از حاشی های متحد انتخاب می شوند و از هم جدا می شوند) استفاده نمود. این واحدها هاست که در آتیه ای باقی کابل به سر می برد. برای مثال در آستانه چهل و دوم شهید ای قم چند گروهان از افراد گارد جاوید به اردوی نظامی طی آماد تم اعزام شده بودند. البته به سبب آنکه گفته شده بود که نظر در راه اردوی معمولی خراب کرده اند اما همه می دانستند آنها را به دستور شاه به این محل در نزد یکی تم اعزام داشته اند تا در صورت اظهارات مردم به سرافراز شوند و مردم را به رنگ گلوله بیند. پنهان کردن انگیزه اعزام سربازان گارد جاوید از خود سربازان و دلیل دیگری است. بهر جهت شاه از مورد اطمنان ترس و واحد های ارتش و احتمال بیوشن آنان به صف مردم مجبور می شود و این امر گریز این است که برای ارتشان همین بیوشن ارتش را بالا بزار بیوشن به صف خلق نیست؟

شاه از ارتش چینی مردمی که در آستانه برورش داده باشند و وحشت دارد. به سبب آنکه درجه داران و افسران جز و همتا جمع زیادی از افسران ارتش اعزام شده اند. از هم آنها و همتای شان با قوه های مردم به سبب آمده که نشانه های آن در جریان قسام مردم فریب دانه شده و وحشت استبداد است.

پرویز قلیچ خانی رژیم شاه را افشای می کند

شکست قوم نوال ایران و رسایات جهانی آنرا تعیین دارد بگر نقان در راه که در فریادی که رژیم فارغ شود استبداد شاه به همین حال تحصیل کرده است. اما گمان رفت و گسترش و پیشرفت سترسی جوانان به آن وجود ندارد و تمام چار و منجالی تبلیغاتی کاذب رژیم و ایچسدا به منضمی نوالی در سالهای اخیر نه به قصد افشای رژیم و ایران بلکه به خلق مشغول کردن ذهن جوانان فریب دانه برده است و هم ها و حکومتی از اند بحدن به ساقط و صحتللات حاد اجتماعی سیاسی بوده است.

اعتصاب کارگران در کارخانه سیمان تهران

اگر کارگران کارخانه سیمان تهران از راه بل غرور ماه به عنوان اعتراض به سطح نازل دستمزدها چنان در طایفه با انزوا بی سرسبع قیمت را در دست به اعتصاب ادامه کاری یک هفته امیزند. کارگران اطبیا را می دانند که کارفرما در سال جاری تنهایی ۸- درصد به تاسب حقوق به دستزدنشان افزوده است و این بار در حالی است که مطابق آمار رسمی دولتی ایرانی هزینه های زندگی طی سال گذشته نزدیک ۳۰ درصد بوده است و به این ترتیب حتی از دستزدن تا چیزی آتیا در بهار به غارت رفته است. کارگران برای اعتراض خواست ما را نه خود از دریافت احکام ادامه حقوق تعیین شد با نظرف کارفرما امتناع از به کارگزارانی که بنیای اعتراضی اضافه کاری اراطلع کردند. اما مسئولان کارخانه به شیوه همه سربا به داران فارنگر در برابرین خواست جانی کارگران دست به مقاومت زده و حتی کارگران را به اعراج شید به کردند کارگران اعلام کردند اگر دوستان آنها را اخراج کنند هرگز به سر کار نخواهند رفت. نکته جالب آن که کارگران برای جلوگیری از فشارهای به کارگزارانی که بنیای ضعیف تری داشته. صندوق اعتصاب تشکیل دادند و جمعا ۳۵ هزار تیرمان در آن گرد آوردند. سرانجام با قول مساعد نمایندگان وزارت کار و رفاه کارگران بدو رفتند که موافقت به اعتصاب خود پایان دهند چه مذاکره با نمایندگان کارفرما بنشینند و اعلام کردند که در صورت عدم تحقق خواستهایشان در چهاره جاریه را اصرار خواهند کردند.

حالت دردناکی از آزادی

(از نظام حکمت)
روشنایی از بد گانت میزد این با کار در رفشان دستهای به هم خسروانی برای به دو جین فرس نان هفتاد می که لفظی از آنها خود در دهان نمی گذاری تو آزادی که برافیه بگزان بردگی کن آزادی که تو بگزان را بگزان کنی
از همان دم که چشم به جهان گشود می آسماهای گرد آگرت می برداشت که دروغ آرد می کرد دروغ های برای آن که صری و دوام بجایوی انگشت بر عقیده به اند بهد و بهاره آزادی می طمیت اده می دهی آزاد داشتن وجد اینی آزاد.
سرت خم چنان که گویی از فکتم برده است بازوها ببلند آویخته در آزادی می طمیت از موسی به موسی می روی تو آزادی آزاد برای بگارشدن
به سببش مثل می هوزی همچون نزد بگترین به بوزش ترس چیزه تو اما به روز مثلا آنها سکن است به امریکه کافه پیش کنند و تو را نیز با آزادی طمیت - تو آزادی که با با گاهی هوای صوی زندانی شوی و حتی اهدا شوی
نه برده ای آهنگین چمن و با شوی در برابر نیست.
نیازی نیست که آزادی را بگریزی تو آزادی.
اما به راستی این حالت آزادی چیز اند و هتانی است در زیر ستارگان

زنده باد همبستگی ضد امپریالیستی خلقهای جهان

